

من بین آنچه که باید باشند و هستند، فاصله بسیار است.

#### ■ یعنی داشتن تخصص مهم نیست؟

چرا، ولی تخصص برمی گردد به خود رسانه. به نظرم ما به لحاظ کمی بالاترین توسعه را در تعداد و کثرت رسانه‌ها داشتیم و محدودیتی در این مورد وجود نداشت و ندارد. از طرفی محدودیتی برای شغل خبرنگاری نداشتیم و به همین دلیل مانعی هم جلوی آن قرار ندادیم. واقعیت این است که فضای عمومی جامعه فضایی است که هر کس بخواهد وارد این شغل شود نه هزینه سنگینی بر او

دولت بود. در حال حاضر در زمینه اخذ مجوز رسانه هم، هر متقاضی توانسته در کمترین مدت مجوز را بگیرد. حتی در نقد دولت هم ما رسانه‌ای نداشتیم که به خاطر نقد دولت توقیف شده باشد و این یعنی خطوط قرمز ما بسیار کم و محدود است و اگر هم باشد عمدتاً در مسائل مربوط به منافع و امنیت ملی دیده می‌شود که در همه کشورهای جهان جاری و ساری است. ولی خب باید گفت که در جهت محتوا گرفتار هستیم یعنی توانستیم از جهت کمی مطبوعات را توسعه دهیم ولی از نظر کیفی متأسفانه نه. یعنی اینکه دانش رسانه‌ای ما توسعه پیدا کرده ولی مهارت آن نه، چون گرفتار کمیت شده‌ایم. ببینید سبک روزنامه‌نگاری ما دچار یک اختلال اساسی شده آن هم به خاطر اینکه بیشتر دنبال پوشش اخبار است نه سوژه. در حالی که بیشترین کار خبرنگاری سوژه است نه پوشش.

■ می‌خواهم بگویم رسانه پایه میکرو فون نیست بلکه انتخابگر موضوعاتی است مبتنی بر نیاز مردم که دیگران نمی‌بینند یا نمی‌خواهند ببینند و این امکان دارد فرصت واکاوی تبادل نظرات و راه و طریق توجه به موضوع و بخشی از راه حل کمک به حل نیاز مردم باشد.

از طرفی امروز روابط عمومی دستگاه‌ها تبدیل به یک رسانه شده که این اشکال دارد. روابط عمومی دستگاه‌ها محل ارتباط رسانه با اجزای دستگاه است نه اینکه خودش رقیب رسانه باشد و جای آن بنشیند؛ این هم نقدی است که به دستگاه‌ها وارد است. در یک کلام امروز مخاطب و محتوای حرف اول را برای کارکرد رسانه می‌زند و رسانه‌های ما باید اولویت‌های خود را به این دو محور تعیین کننده معطوف کنند تا به اثر و ورود به فرآیند عرضه و تقاضا در جامعه برسند.

■ یکی از بحث‌هایی که مطرح است تخصصی شدن مطبوعات و حمایت از نشریات محلی و استانی است، در این مدت چه کردید؟

به واسطه این فرصتی که ایجاد شد ما توسعه غیر قابل باور در فضای نشریات محلی و استانی داشتیم. به هر حال در گذشته چون انحصار بود کسی نمی‌توانست در یک شهر، رسانه داشته باشد ولی در مدل توسعه کمی، دسترسی آزاد برای فراهم کردن فرصت نقش آفرینی برای علاقه‌مندان ایجاد شد. الان در هر استان و شهرستان تعداد بسیاری به عنوان مدیر مسئول و خبرنگار و... مشغول فعالیت هستند. خانواده رسانه امروز خانواده بزرگی شده است و دولت از این قضیه نیز استقبال و بستر این حضور را فراهم کرده و از آنها حمایت می‌کند و هر جا که لازم بوده هدایت و در عین حال در جهت رشد، بستر آموزش را نیز مهیا کرده است. به موازات این امر انجمن‌های صنفی و مطبوعاتی نیز راه اندازی و تقویت شد الان ما فقط ۲۸ انجمن صنفی رسانه و سی و یک خانه مطبوعات در سراسر کشور داریم ولی باز همه اینها دچار مشکل کمی هستند و از لحاظ کیفیت گاهی دچار تناقض می‌شوند. در همین دولت تدبیر و امید «خانه‌های مطبوعات» در یک فرآیند دموکراتیک و انتخاباتی الکترونیکی دوباره احیا و فعال شدند.

بسیاری از امور وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در استان‌ها به خانه‌های مطبوعات واگذار شد؛ این امر مبارکی بود که با انتخابات دوره‌ای و منظم دائم در حال ترمیم و اصلاح است.

■ با این حال معتقدم ما در کشور یک بحران رسانه‌ای داریم و آن اینکه با وجود توسعه کمی رسانه، ولی در محتوا نتوانستیم متناسب با این سرعت، نیاز جامعه را برآورده کنیم به همین دلیل اقتصاد رسانه دچار مشکل شد چون نظام حمایت مالی از رسانه جایگزین نظام عرضه و تقاضا شد.

به نظرم اشکال کار اینجاست که فروش اطلاعات دغدغه ما نیست به اعتقاد من، حمایت از رسانه جایی به ضرر خود رسانه تمام می‌شود چون رسانه فروش را کم اهمیت می‌داند و دنبال آگهی و یارانه می‌رود پس خواننده و مخاطب را فراموش می‌کند در حالی که نمی‌داند به واسطه همین خواننده است که آگهی و یارانه دریافت می‌کند. خب این عملاً باعث شده که ما وارد دور باطل شویم چون پول خوب نمی‌دهیم مطلب خوب تولید نمی‌کنیم چون مطلب خوب نداریم خریدار هم نداریم چون خریدار نداریم منبع مالی مناسبی برای تأمین هزینه تولید نداریم و... امروز خبرنگاری در کشور دچار بحران گذار شده و از دسترسی محدود به دسترسی آزاد رسیده ولی نتوانسته هنوز در این فضا جایگاه خودش را پیدا کند.

■ شاید یکی از دلایلی که این مشکلات را به وجود آورده، حمایت نکردن از خبرنگار باشد. چه حمایت‌های معنوی و مادی‌ای از خبرنگاران شده است؟

از نظر مادی خب ما تاکنون ۶ هزار و ۵۰۰ خبرنگار را که توسط رسانه‌ها بیمه نشدند، از طریق اعتبارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و صندوق هنر، بیمه کردیم. مگر از سایر مشاغل در کشور چه حمایت‌هایی می‌شود؟ ولی چرا فکر می‌کنیم حمایت کافی نیست؟ چون تعداد خبرنگار معلوم نیست. همین سال گذشته برای دریافت اینترنت رایگان در همان ساعات اولیه ۱۶ هزار نفر به عنوان خبرنگار ثبت نام کردند و تعدادی هم از سوی معاونت مطبوعاتی معرفی شدند! خب از چند نفر باید حمایت کنیم؟ چند نفر به عنوان خبرنگار واقعی هستند؟ حمایت را مانفی نمی‌کنیم و بر آن مصر هم هستیم هر چه هم بتوانیم حمایت را بیشتر و بهتر می‌کنیم ولی واقعاً بقای یک شغل ورود به عرضه و تقاضاست نه دریافت مُسکن و وصل کردن سرم. این برای دوره کوتاه ضروری است اما درمان یک درد نیازمند ورود به راه حل‌های منطقی و حرفه‌ای است آن هم فقط و فقط با ورود به عرضه و تقاضا ممکن می‌شود مانند همه کشورهای جهان.

■ شاید به خاطر این است که آمار دقیقی از تعداد خبرنگاران نداریم؟

احسنت، متأسفانه تا هستیم همزمان با توسعه جریان رسانه، زیر ساخت سازمان نظام رسانه و نظام خبرنگاری را تصویب نکردیم والان دنبال همین موضوع هستیم. صادقانه بگویم دولت با تمام وجود آماده حمایت از جریان رسانه است خب حداقل در این یک سال گذشته هم کاغذ جزو

از نظر مادی ما  
تاکنون ۶ هزار و ۵۰۰  
خبرنگار را که توسط  
رسانه‌ها بیمه نشدند،  
از طریق اعتبارات  
وزارت فرهنگ و ارشاد  
اسلامی و صندوق  
هنر، بیمه کردیم. مگر  
از سایر مشاغل در  
کشور چه حمایت‌هایی  
می‌شود؟ ولی چرا  
فکر می‌کنیم حمایت  
کافی نیست؟ چون  
تعداد خبرنگار معلوم  
نیست. همین سال  
گذشته برای دریافت  
اینترنت رایگان در  
همان ساعات اولیه  
۱۶ هزار نفر به عنوان  
خبرنگار ثبت نام کردند  
و تعدادی هم از سوی  
معاونت مطبوعاتی  
معرفی شدند

تحمیل می‌شود نه تجهیزات آنچنانی لازم دارد. از نظر حمایت از جریان رسانه هم باز به نسبت زمان و مکان حداقل در یک سال گذشته می‌توان گفت که کاغذ جزو کالای اساسی یعنی کنار مایحتاج اساسی مردم قرار گرفت و این نشان دهنده این بود که دولت نسبت به این موضوع دغدغه داشت. یارانه‌ای که هر سال به نشریات اختصاص پیدا کرده نشان از حمایت‌هایی است که از فعالیت رسانه‌ها شده است. از طرفی توسعه مراکز آموزش عالی در زمینه روزنامه‌نگاری هم یکی از حمایت‌ها و اقدامات